پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

یک ملت، یک زبان (اهمیت زبان کهن پارسی - زبان فارسی)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۵ خرداد ۱۳۹۶ · ۱۳ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

دکتر محمدرضا توکلی صابری ما ایرانیان جزو تعداد انگشت شمار کشورهایی هستیم که دانش آموزان آن می‌توانند متون نظم و نثر هزار ساله خود را، از شاهنامه تا سفرنامه ناصرخسرو، بخوانند. فهم متون قدیمی فقط منحصر به افراد با سواد نیست. افراد بی‌سواد هم قرنها شاهنامه را در قهوه‌خانه‌ها و چای‌خانه‌ها شنیده و فهمیده و لذت برده‌اند. متن های ادبی اکثریت زبانهای اروپایی به چهارصد و یا پانصد سال پیش نمی‌رسد و متون پیش از آن را اروپایی‌ها نمی‌توانند بفهمند. حتی دو زبان قدیمی یونانی و عبری چنین توفیقی را ندارند، زیرا

پارسیان دژ / کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

دکتر محمدرضا توکلی صابری

ما ایرانیان جزو تعداد انگشت شمار کشورهایی هستیم که دانش آموزان آن می‌توانند متون نظم و نثر هزار ساله خود را، از شاهنامه تا سفرنامه ناصرخسرو، بخوانند. فهم متون قدیمی فقط منحصر به افراد با سواد نیست. افراد بی‌سواد هم قرنها شاهنامه را در قهوه‌خانه‌ها و چای‌خانه‌ها شنیده و فهمیده و لذت برده‌اند. متن های ادبی اکثریت زبانهای اروپایی به چهارصد و یا پانصد سال پیش نمی‌رسد و متون پیش از آن را اروپایی‌ها نمی‌توانند بفهمند. حتی دو زبان قدیمی یونانی و عبری چنین توفیقی را ندارند، زیرا زبان امروزی آنها باز زبان هزار سال پیش از آن بسیار تفاوت پیدا کرده است. فارسی زبانی است که هنوز در آسیای میانه قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، پاکستان، افغانستان مردم با آن سخن می گویند. این زبان، زبان وحدت ملت ایران است، باید به آن اهمیت داد.

به تازگی از یک سفر در آذربایجان و کردستان و خوزستان بازگشتم. در این سفر در چندین جا صحبت از لزوم آموزش و تدریس به زبان مادری پیش کشیده شد. تبلیغ برای آموزش و تدریس به زبانهای محلی در کشوری که زبان رسمی‌اش فارسی بوده است و دارای چنین ادبیات جهانی است قابل تامل است. اگر در دوران گذشته که روزنامه و رادیو و تلویزیون نبود و آموزش عمومی و رایگان وجود نداشت کودکانی که زبان مادرشان فارسی نیست مشکل یادگیری زبان فارسی را داشتند، اکنون با عمومیت رسانه های عمومی و کانالهای تلویزیونی، و برنامه های کامپیوتری، کتاب و کتابخانه های عمومی این مشکل خیلی کمتر شده است و بسیاری از کودکان غیر فارسی زبان حتی پیش از رفتن به مدرسه زبان فارسی را یاد می گیرند. وزارت آموزش و پرورش نباید در دام تدریس زبان مادری به جای زبان فارسی گرفتار شود. علت پایندگی و دوام فرهنگ ایران وجود زبانها و فرهنگهای مختلف در این کشور پهناور است. شاید بدون این تنوع، فرهنگ ایران این بالندگی و این پایندگی را نمی داشت. باید زبان فارسی را هم به عنوان زبان پیوند همه زبانهای بومی ایرانی ترویج کرد. این زبان زبان وحدت ملت ایران است. هیچ زبان نباید جانشین زبان فارسی شود. در حالی که نباید هیچ گونه ممانعتی برای گفتگو و انتشار به زبانهای محلی وجود داشته باشد. آموزش کودکان باید به زبان فارسی و در کنار زبانهای محلی باشد نه این که زبانهای محلی جانشین زبان فارسی شود. زیرا که اگر هرکسی بخواهد زبان ناحیه خودش آموزش یابد، پس یک بلوچ و کرد چگونه باید با یک آذربایجانی گفتگو کند. جز زبان فارسی؟ پس غرض جانشین شدن زبان مادری به جای زبان فارسی از میان می رود.

اگر قرار باشد که هر کسی به زبانی که در محیطش گفتگو می شود و یا در کودکی با آن آشنا شده است پس ممکن است که کسی درخواست کند که دولت باید بودجه ای را برای آموزش زبان مطربی اختصاص دهد. زبان فارسی برآیند همه زبانهای ایرانی است که به خاطر توانایی هایش در بیان مطالب علمی، ادبی و فلسفی به این مقام رسیده است. کمتر زبان غیر اروپایی است که چنین توانایی مطابقه با زمان و وضع برابرنهاده‌هایی برای واژه های بیگانه داشته باشد. بودجه دولتی فقط باید صرف آموزش زبان فارسی شود که زبان ملی است. با این حال اگر هر قومی بخواهد به زبان خودش صحبت کند، نباید مانع آن شد، همان طور که اکنون چنین است و در استانهایی که زبان مادری شان غیر از زبان فارسی روزنامه و مجله و رادیو به همان زبانها منتشر می شود. امکانات دولتی فقط باید صرف آموزش زبان فارسی شود و هر ایرانی باید زبان ملی میهن خود را ابتدا یاد بگیرد که زبان ارتباط میان همه قومهای ایرانی است.

زبان یکی از جنبه‌های فرهنگ یک ملت است، ادبیات، دین، فلسفه، هنر، و تاریخ مشترک بخش دیگری از آن است. ایرانیانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست در همه موارد فوق با فارسی زبانها فرهنگ مشترک دارند و این تفاوت زبانی نمی تواند عامل جدایی و یا افتراق باشد. زیرا این وجوه اشتراک آنها را سخت به هم پیوند داده است.

موضوع آموزش به زبان مادری، به جای زبان فارسی، که گهگاه سازمانهای داخل و خارج از ایران پیش می‌کشند، و رسانه های غربی آن تبلیغ می کنند ابتدا توسط کانون های اندیشه صیهونیستی در آمریکا و اسراییل پیشنهاد و به طور وسیعی در مورد آن تبلیغ شد. غرض آن نیز ایجاد دردسر و مشکل و اختلاف بین گروههای قومی در ایران بود. با این طرح و برنامه آموزش زبان مادری در استانهایی که زبان مادری شان زبان فارسی نیست به عنوان یک درخواست فرهنگی و در اصل یک درخواست سیاسی ارائه شد. به این ترتیب قصد این بود که با آموزش زبانی جز آموزش زبان فارسی در مدارس و دانشگاه به یک تفاوت فرهنگی و جدایی فرهنگی انجامد که به تقاضای بعدی که خود مختاری به علت تفاوت زبانی است و سپس استقلال و پیوستن به سرزمین های خارج از مرز ایران برسند که به این زبانها صحبت می کنند. این تبلیغات بیشتر متوجه استان آذربایجان و کردستان است. این کشورها در حالی که سعی دارند کشورهای خاورمیانه را به کشورهای کوچکتر و ضعیف‌تری تجزیه کنند وقتی به مشکلات زبانی و ملی و فرهنگی خودشان می رسد به وجه اشتراک خود با آنها تاکید می‌کنند تا وجه افتراق. کشور انگلستان که به نظر می رسد یک زبان واحد دارد با اسکاتلند و ویلز که جزوی از آن است و به زبان گی لیک صحبت می کنند، هیچگاه اجازه تدریس به این زبانها را در کشور خود نداده است. حتی وقتی در اسکاتلند برای جداشدن از انگلستان و یا ماندن با آن کشور رای گیری شد، همه سیاستمداران بر وجه اشتراک انگلیسی ها و اسکاتلندی ها تاکید داشتند تا اسکاتلند از انگلستان جدا نشود. همان سیاستمداران برای عراق تجویز دیگری داشتند و دارند. یعنی تجزیه به سه بخش شیعه نشین، کرد نشین و عرب نشین. ایالتی مانند کالیفرنیا، به علت کثرت کسانی که به زبان اسپانیایی صحبت می کنند و فرهنگ آمریکای لاتین را دارند از نظر فرهنگی به هیچ وجه تشابهی با ایالت نیو اورلئان که فرهنگ فرانسوی دارد و یا آلاباما ندارد. با این حال هیچیک از سیاستمداران به این تفاوت عمده اشاره ای نداردند و آن ها را، به علت وجود زبان مشترک یعنی انگلیسی، بخشی از ایالات متحده آمریکا می دانند.

کشورهای غربی خود که این همه به تاکید و تبلیغ تدریس زبان مادری در ایران می پردازند. کارنامه سیاهی در اجازه به تدریس زبانهای بومی در کشورخودشان دادند. انگلیسی ها در ابتدا بسیاری از مستعمرات بچه ها را می دزدیدند و به انگلستان می بردند تا مجبور شوند زبان انگلیسی را یاد بگیرند و پس از چند سال آنها را به کشورهای مستعمره بر می گرداندند تا بتوانند مترجم آنها باشند و به بومیان انگلیسی یاد بدهند. میسیونرهای مسیحی در استرالیا و آفریقا و آمریکا انجیل را به زبان انگلیسی برای بومیان آموزش می دادند تا انگلیسی یاد بگیرند. اسپانیایی ها و پرتقالی ها چنان قلع و قمعی از بومیان آمریکای جنوبی کردند که فقط زبان اسپانیایی و پرتقالی زبان این قاره شد. فرانسه تمام زبانهای محلی را از میان برد. این کشورها اکنون که زبانهای رسمی کشورهایشان فراگیر شده است و رقیب جدی ندارد، به زبانهای دیگر، اگر وجود داشته باشد، اهمیتی نمی دهند چون قابلیت رقابت ندارد. هم اکنون کودکان فلسطینی می باید از کودکی زبان عبری را یاد بگیرند و آموزش آنها به زبان عبری است.

ادوارد شرلی کارمند سیا که به طور مخفیانه در سال ۱۹۹۴ سفر کرده است، در کتاب خود به نام «دشمن خود را بشناس» که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. گفته است که حتی فکر جدا شدن آذربایجان به پشت سیاستمداران ایرانی

لرزه می اندازد. و بهترین روش مبارزه با دولت ایران را نفوذ و اختلال و خرابکاری در آذربایجان دانسته بود. پس از حمله آمریکا به عراق و خودمختاری کردستان و استقلال جمهوری آذربایجان و ورود دستگاه سیاسی اسراییل به این دو کشور برنامه های مفصلی برای تبلیغات بر علیه ایران برنامه ریزی شد که هدف آن تفرقه بین مردم ایران و سپس حمله نظامی و سرنگونی حکومت و تجزیه ایران به کشورهای کوچکتری بود. غافل از این که این ملت چند هزار ساله به این آسانی ها مانند کشورهای همسایه از هم نمی پاشد و پایه های فرهنگی و اعتقادی و سیاسی و تاریخی عمیق و کهنی دارد. دستگاههای تبلیغاتی کشورهای ترک زبان همسایه همسو با دستگاههای تبلیغاتی آمریکا، انگلستان و اسراییل برنامه هماهنگی را در زمینه های مختلف اجرا کرده اند و در دست اجرا دارند. یکی از آنها تبلیغ طرح تدریس و آموزش به زبان مادری است.

به تازگی که سفری به شهرهای آذربایجان داشتم و با هموطنان آذری گفتگو می کردم. متوجه شدم که چقدر بعضی تحت تاثیر این تبلیغات قرار گرفته و به تبلیغ و دفاع از آن می پردازند. یکی از این تبلیغاتچی های ژنرال آتاتورک از زبان ترکی بسیار تعریف و تمجید می کرد و تبلیغات پان ترکیست ها را به من تحویل می داد مبنی بر این که ترکها در زمان کوروش هم در این سرزمین بوده اند و از خوار کردن کوروش و حتی شاه اسمعیل ترک زبان خودداری نکرد و به ستایش دشمن او یعنی سلطان سلیم پرداخت.

کوروش مردی بی نظیر در تاریخ جهانی است. کسی است که دشمنان یونانی اش در مورد خصایل نیکوی او کتاب نوشته اند و در تورات به نیکی از او یاد شده است. کسانی که کوروش را می کوبند و او را ایرانی نمی خوانند، آب به آسیاب بیگانگان می ریزند. این گونه تبلیغات منفی و نادرست دارد به تدریج در آذربایجان جا می افتد و سرمایه های عظیمی برای آن صرف می شود و هدف آن ایجاد نفاق و تفرقه در میان مردم ایران در هم شکستن ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای است. آدرس اینترنی این گونه جایگاههای اینترنتی که به تبلیغ در میان استانهای غیر فارسی زبان می پردازند همگی به جمهوری آذربایجان و ترکیه بر می گردد. دو کشوری که اسراییل حضور فعالی در آنجا دارد.

سیزده سال پیش که در آذربایجان سفر می کردم هیچگاه این چنین تبلیغاتی را ندیده بودم. باید همگی ما، یعنی مردم و دولت، به کار فرهنگی به پردازند و این تبلیغات دروغین را خنثی کنند وگرنه سیزده سال بعد خدا داند چه خواهد شد در حالی که آذربایجان یکی از مراکز بزرگ زبان فارسی بوده است. تبریز تنها شهری پس از نیشاپور است که مقبره الشعراء دارد. در این گورستان در حدود چهارصد شاعر فارسی زبان آرمیده اند و این اهمیت این شهر را به عنوان یکی از کانونهای بزرگ ادبیات پارسی نشان می دهد. تاریخ کشور ایران دو جنبه مشخص دارد. یکی شاعران آن و دیگری سرداران آن که با بیگانگان جنگیده اند و مرزهای این کشور را امن داشته اند. آذربایجانی ها از هردو جنبه در صدر بقیه استانها هستند. شاعران آذربایجانی از نظامی و قطران تا شهریار عشق خود را به این سرزمین نشان داده اند و سرداران آذری از بابک تا باکری ها جان خود را در دفاع از این سرزمین از دست داده اند.

پان ترکیستها که در جمهوری آذربایجان و ترکیه دستگاه تبلیغاتی گسترده ای دارند. ایران را نیز هدف قرار داده اند. تاریخ نشان می دهد که ترکها یکی از مللی هستند که تساهل و تسامح کمتری نسبت به دیگر مردمانی داشته اند که در این منطقه زندگی می کرده اند. قتل عام ارمنیان، سرکوب و جنگ با کردهای درون ترکیه، سرکوب اعراب و جنگهای طولانی با ایران نمونه ای از اینها است. هم اکنون هم قتل عام کردهای ترکیه به بهانه های مختلف و

محدودیت برای ارامنه هنوز ادامه دارد. ترکها با یونانی هاهم رابطه خوبی ندارند و این عدم تحمل فرهنگهای دیگر مشکل بزرگی برای آنها شده است.

تشکیل فراکسیون ترک زبان را هم باید در پرتو فعالیتهای سازمانهای وابسته به جمهوری آذربایجان و ترکیه نگاه کرد. اگر چه به ظاهر برای درخواست های بعضی استانهای ایران است که زبان ترکی در آنجا رایج است، ولی باید دانست که محرک و عامل این فراکسیون چند نفر بیشتر نیستند که از بعضی از منابع خارج از کشور الهام می گیرند و بقیه نمایندگان از نیات اصلی عاملان این فراکسیون خبری ندارند.

دستگاههای فرهنگی باید جوری تبلیغات ضد ایرانی پان ترکیستها را خنثی کنند و به فعالیتهای فرهنگی زبانها و فرهنگهای محلی یاری دهند. یکی از کارهای بسیار مفیدی که میراث فرهنگی ایجاد کرده است، ایجاد موزه مردم شناسی، که نماد فرهنگ های مختلف این سرزمین است، در بیشتر شهرهای استانهاست. مجلس باید لایحه ای تصویب کند که در آن از ایجاد هر گونه تشکیلات برترجویی بر مبنای قومی، نژادی، استانی ممنوع شده و تشکیل هر فراکسیون باید فقط بر اساس برنامه سیاسی برای همه مردم ایران باشد نه یک فرهنگ، فرقه، یا زبان دیگر. دولت باید بودجه خاصی را در مناطق غیر فارسی زبان تصویب کند و به تاسیس مراکز فرهنگی آن مناطق و ایجاد کانون پرورش کودکان، آموزش زبان فارسی، و کتابخانه های فارسی توجه بیشتری شود.

جنگ عراق با ایران که با پشتیبانی سه قدرت زمان یعنی جمهوری شوروی، اتحادیه اروپا، و آمریکا در گرفت، هدفش متلاشی کردن جمهوری اسلامی تازه پای بود. این جنگ نتیجه دلخواه هیچ یک از این قدرتها را نداد. پس از پایان جنگ عراق با ایران و حمله آمریکا به عراق، ایران به قدرت بزرگ منطقه تبدیل شد وعراق دچار جنگی داخلی شد که هنوز هم ادامه دارد. غربیان فهمیدند که با عملیات نظامی قادر به تعویض رژیم ایران نیستند، به ویژه که ایران به سرعت از نظر نظامی و اقتصادی کمبودهای خود را جبران کرد. طراحان و برنامه ریزان غربی برای درهم شکستن ایران به شیوه دیگری متوسل شدند. همان شیوه ای که بریتانیا در چند سده اخیر در جهان به کار برد و آمریکایی ها در برابر سرخپوستان بومی آمریکا به کار بردند. این شیوه «تفرقه بیانداز و حکومت کن» بود. تصویب بودجه های چند صد میلیون دلاری، ایجاد دفترهای سیاسی و پایگاههای نظامی در کشورهای همسایه، ایجاد تلویزیونها، رادیوها و، جایگاههای اینترنتی، کمک به تمام سازمانهایی که در خارج بر علیه ایران فعالیت می کنند و کسانی که در فضای مجازی به تبلیغ علیه ایران می پردازند، جزو همین طرح اصلی بود. بسیاری از کانون های اندیشه دست راستی در آمریکا، مانند آمریکن نیو اینترپرایز، که از اسراییل خط مشی سیاسی خود را می گیرند هدف و برنامه اصلی شان در هم شکستن حکومت در ایران و تجزیه این کشور است. تجزیه ایران به کشورهایی کوچکتر با تبلیغ در میان استانهایی است که زبانی غیر از زبان فارسی صحبت می کنند.

با تبلیغات منفی که جمهوری آذربایجان و ترکیه بر علیه ایران می کنند و با هدایت و پشتیبانی مالی و فرهنگی آمریکا و اسراییل است و به احساسات پان ترکیسم دامن می زنند، تاثیرش را به خوبی می شد مشاهده کرد. آذربایجانی ها ترک نیستند، بلکه از لحاظ نژادی و زبانی به خانواده های ایرانی تعلق دارند. زبان آذری شاخه ای از زبانهای ایرانی است شبیه تاتی و گیلکی. ترکی صحبت بعضی مردم آذربایجان به اجبار و به زور شمشیر سلجوقیان بوده است. زبانی ترکی در حدود پانصد سال است که در ترکیه و کمتر از آن در آذربایجان رواج یافته است.

ناصرخسرو که هزار سال در راه سفر حج از مرو به بلخ از شهرهای آذربایجان گذر کرده و به ترکیه رفته است. در شهر وان ترکیه می کوید اینجا سه زبان رواج دارد، ارمنی، پارسی و عربی. یکی از کتیبه های خشایارشا در خارج از ایران در کشور ترکیه و بر صخره ای در دامنه قلعه وان قرار دارد.

آبشخور : http://www.iranboom.ir

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «یک ملت، یک زبان (اهمیت زبان کهن پارسی - زبان فارسی)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1908/pdf/یک-ملت-یک-زبان-اهمیت-زبان-کهن-پارسی-زب.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵